

همراه با خدمتگزاران موکب بیمارستان اکبر که محلی برای آغاز معجزه هاست

رویش امید از دل رنج



شاهیان ا جایی که هر روز قصه هایی از رنج و نگرانی برای سلامتی کودکان به گلوئی پدر و مادر هافشار می آورد. موکبی برپا شده است که عطر چای و خنکی شربتش حساسی به دل آن هائی نشیند. اینجا در بیمارستان کودکان اکبر، یک موکب برای عزاداری محرم برپا شده که پناهگاهی برای دل های شکسته همراهان بیمار نیز است؛ جایی که خادمان حضرت رضا^(ع) در کنار کارکنان بخش آزمایشگاه بیمارستان با همدلی، مرمی بر زخم های پنهان می گذارند. کمی جلوتر از ورودی بیمارستان و پیش از ورود به مسیری که تا بلوار وژانس، همراهان بیمار را هدایت می کند. این موکب کو چک خود نمایی می کند که گرمایش بیش از اینکه از شعله سماور هایش باشد، از اخلاص دل های خدمتگزارانش سرچشمه می گیرد. برنامه اینجا، هر غروب به این ترتیب است: یذیرایی یا چای و شربت، برگزاری نماز جماعت و قرائت زیارت عاشورا و در نهایت هم سفره شام پهن می شود.

● یک اقدام پنج ساله

جرعه راه اندازی این موکب، حدود پنج سال پیش با تلاش بنیاد کرامت رضوی در بیمارستان امام رضا^(ع) زده شد. محمدرضایی، از خدمتگزاران کشیک هفتم مهمان سرای غدیر، می گوید: سال ۱۳۹۹ بود که بنیاد کرامت رضوی داخل بیمارستان امام رضا^(ع)، مقابل بخش کرونوموکی زد. مابه عنوان خادم انجامی رقتیم و واقعا جلوه هایی تأثیرگذار از حضور و اشتیاق مردم را دیدیم. سال بعد با اینکه از سوی حرم اعلام شد دیگر موکبی برپا نمی شود، همان دوستان آمدند و با توجه به باز خورد های خوبی که گرفتند، مشتاق شدند کار را ادامه بدهند.

● ثبت هیئت خدمتگزاران حضرت رضا(ع)

سید مرتضی اخلاقی، کارشناس آزمایشگاه بیمارستان کودکان اکبر و یکی از افراد ثابت ایستگاه صلواتی هر سال است. او می گوید: بعد از موکب بیمارستان امام رضا^(ع)، سه سال پیش، ۱۰ روز در ورودی محوطه بیمارستان اکبر ایستگاه صلواتی زدند و بعد جمع شد. بعد از آن به خادمان گفتیم چرا باید جمع کنید؛ اینجا خانواده هایی هستند که به خاطر بیماری فرزندشان نمی توانند به هیئت بروند. این خیمه برایشان مثل یک حسینییه کوچک است؛ جایی که اشک می ریزند، دلشان را سبک می کنند و بعد هم شام ساده ای می خورند.

اخلاقی با اشاره به زمان تولد فرزندش و اهمیت ایستگاه صلواتی بیان می کند: وقتی فرزندم به دنیا آمد، به دلیل حضور در بیمارستان نمی توانستم به هیئت بروم. خانواده های بیماراران اینجا نیز همین کمبود را دارند. به دلیل اینکه عزیزشان در اینجا بستری است، نمی توانند در این شب های محرم در روضه یا هیئتی شرکت کنند، ولی موکب جمع و جور اینجا جایی است که می توانند خودشان را سبک کنند. این کارمند بیمارستان اکبر یادآوری می کند: پارسال وقتی که خواستند

خیمه را برپا کنند، پیگیری کردیم که مجوزش هم ثبت شود. با پیگیری و موافقت، هیئت خدمتگزاران حضرت رضا^(ع) ثبت شد و از پارسال دو ماه محرم و صفر را کامل اینجا عزاداری می کنیم.

● خیمه بیمارستان و حکایت های کرامت

ناصر نویدی، از خادمان مهمان سرای غدیر، می گوید: به این موکب کوچک نگاه نکنید. هر شب که اینجا برای خدمت حاضر می شوم، می بینم همراهان بیمار روی سکوها بین باغچه های نشینند و از آنجا سیم ارتباطشان را وصل می کنند. متوسل می شوند و حاجت می گیرند.

در این خیمه، قصه های شفا و حاجت گرفتن کم نیست؛ از مسافری که از تربت حیدریه آمده بود و بعد از سفری پُر از خستگی بایک لیوان شربت انرژی گرفت تا پدری که سال گذشته در همین خیمه، دعایش مستجاب شد و امسال سه شب پیایی بانی شام شد. نویدی توضیح می دهد: آقای محمدزاده پارسال بچه اش در بیمارستان بستری بود و می گفت شفای فرزندش را با توسل در این موکب گرفته است. برای همین امسال نذر کرده بود به مناسبت شهادت حضرت رقیه^(س) سه شب بانی شام شود و این کار را هم انجام داد یا همراه بیماری که فرزندش در کما بود، روز بعد، با چهل کیلو شیر و شکر و کاکتوس آمد تا میان همراهان بیمار توزیع کند.

● خادمی از کر بلا تا کنار بیمارستان

کمی پس از قرائت زیارت عاشورا، مادری خسته، همراه کودکش که لباس بیمارستان بر تن دارد، به سمت موکب می آید و یک ظرف عدسی بایک کف دست نان می گیرد. پسرک نایی ندارد و به زور راه می رود. از مادرش می خواهیم با ما هم کلام شود، ولی می گوید: حال مرا که می بینید؛ اینجا

نیاز به شنیدن ندارد.

سید احمد حسینی، از ستاد بازسازی عتبات خراسان رضوی، می گوید: از اول محرم تا آخر صفر، اینجا کنار بیماراران و خانواده هایشان هستیم. همه خادمان با عشق خدمت می کنند. همین روحیه باعث می شود مردم هم استقبال کنند، در نماز جماعت حاضر شوند و حتی نذورات خود را همین جا ادا کنند.

● لحظه هایی که اشک، نذر می شود

محمدرضایی، از خدمتگزاران کشیک هفتم، تاکنون شاهد صحنه هایی بوده است که با کلمات نمی تواند کامل توصیف کند: «سال گذشته یکی از همراهان بیمار را می دیدم که هر شب می آمد و پشت یکی از پرچم های مذهبی موکب می ایستاد و بی صدا گریه می کرد. چند شب بعد، با خبر سلامتی نوه اش آمد، شکر آورد و همان جادو باره ایستاد و اشک ریخت. همان حس و حال را داشت و درکش برایم دشوار بود.» او باور دارد که بسیاری از حاجت ها در اینجا روا می شود، حتی اگر صاحبانش متوجه ارتباط آن با این مکان نشوند. بعضی ها شفا را می بینند و بعضی ها شاید متوجه نشوند. بسیاری از مراجع کنندگان نذورات خود را برای سلامتی بیمارانشان تقدیم می کنند و این موکب، شاهد معجزات بسیاری بوده است.

رضایی می گوید: این خیمه حالا فقط محل خدمت کشیک هفتم نیست. کارکنان بیمارستان، خادمان ستاد بازسازی عتبات عالیات و مردم نیکوکار هم پای کار آمده اند. همه دوستان قصد دارند سال آینده، موکبی بزرگ تر، با امکانات بیشتر و خدمات وسیع تر برپا کنند تا دل های بیشتری به این پناه امن راه پیدا کنند. این موکب، دل خوشی است برای همراهان کودکان بیمار و به واسطه آن در کنار دارو، محبت و امید هم تجویز می شود.

